

# بررسی منشأ و اصالت پیش از اسلامی نقشمایه بهرام و آزاده در آثار هنری ایران سده‌های چهارم تا هشتم هجری قمری

بهرام آجورلو<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مرکز تحقیقات مرمت بناها و بافت‌های تاریخی و فرهنگی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

ضحی اصغرزاده چرندابی

عضو هیئت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای آموزشکده فنی و حرفه‌ای الزهرا (س) تبریز

(از ص ۱ تا ص ۱۵)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۱۷

## چکیده

شماری از آثار هنری ایران سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. با مجالسی آراسته شده‌اند که شاهی کمان‌گیر و سواره را در نخجیرگاه آهو نمایش می‌دهد، درحالی‌که بر پشت مرکبش زنی ریزاندام و چنگ‌نواز نشسته است. این صحنه بنا بر متن شاهنامه فردوسی و هفت پیکر نظامی گنجوی، داستان بهرام گور شاهنشاه ساسانی و کنیز خنیاگرش آزاده را روایت می‌کند. البته انتساب این روایت به شاهنامه فردوسی در سال‌های اخیر موضوع انتقاد بوده و حتی آن را دروغ و یکی از جعلیات افزوده به متن شاهنامه فردوسی در سده‌های پسین پنداشته‌اند. بنابراین، شناسایی و تعیین اصالت پیش از اسلامی داستان بهرام و آزاده بر مبنای مطالعه آثار هنری بازمانده از آن دوران اهمیت بسیار دارد، زیرا احتمال دارد که داستان و نقشمایه بهرام و آزاده صرفاً آفریده هنرمندان و شاعران ایران دوران اسلامی باشد. اما فرضیه نوشتار حاضر این است که نقشمایه و تصاویر روایی داستان بهرام و آزاده در آثار هنری ایران سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. کهن‌الگوها و سرمشق‌های هنری پیش از اسلامی داشته است. برای بررسی و ارزیابی این فرضیه، نگارندگان از تاریخ ادبیات و تاریخ هنر و باستان‌شناسی بهره گرفته‌اند. نتیجه برآمده از تحقیق این است که نقشمایه هنری و موضوع ادبی داستان بهرام و آزاده، به راستی کهن‌الگوی ساسانی داشته و از جعلیات افزوده به شاهنامه فردوسی نیست.

**واژه‌های کلیدی:** بهرام و آزاده، شاهنامه فردوسی، هفت پیکر نظامی گنجوی، هنر دوران اسلامی ایران، هنر دوران پیش از اسلام ایران، عهد ساسانی.

## مقدمه

شماری از آثار هنری ایران سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. چون سفالینه‌ها و کاشی‌ها با مجالسی آراسته شده‌اند که شاهی کمان‌گیر و سواره را در نخجیرگاه نمایش می‌دهد، درحالی‌که بر پشت مرکب‌اش زنی ریزاندام و خنیاگر و چنگ‌زن نشسته است. دوردور ایشان هم چند آهو یا غزال دیده می‌شود که یکی از آنها گوش و پایش با یک تیر ره‌اشده از چله کمان شاه به هم دوخته شده است. این صحنه بنا بر متن شاهنامه فردوسی و هفت پیکر نظامی گنجوی، داستان بهرام گور، شاهنشاه ساسانی، و کنیز خنیاگرش، آزاده، را بازمی‌گوید. البته انتساب این روایت به شاهنامه فردوسی در سال‌های اخیر موضوع انتقاد بوده است و حتی داستان بهرام و آزاده را دروغ پنداشته و آن را یکی از جعلیات افزوده به متن شاهنامه فردوسی در سده‌های پسین دانسته‌اند. (ر.ک. شاهنامه فردوسی به تصحیح فریدون جنیدی، ۱۳۸۷، ج. ۶). بنابراین، بررسی منشأ و اصالت نقشمایه بهرام و آزاده بر روی آثار هنری ایران پیش از اسلام و همچنین ایران سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. می‌تواند راهگشای مباحث تحلیلی جدیدی در تاریخ هنر ایران پیش از اسلام و نیز دوران اسلامی باشد.

## مسئله

داستان بهرام و آزاده که بر مبنای شاهنامه فردوسی به بهرام گور ساسانی نسبت داده شده است، تا به امروز بیشتر از منظر ادبیات بحث شده است و در عرصه تاریخ هنر و باستان‌شناسی، صرفاً نقشمایه‌های شماری از آثار هنری دوران اسلامی با دوران پیش از اسلام، مثل بشقاب‌های زراندود منسوب به عهد ساسانی با آن مقایسه شده است. اما تا کنون بحث اصالت و یا عدم اصالت این نقشمایه بر روی آثار هنری پیش از اسلام یا حتی منشأ دوران اسلامی یا دوران پیش از اسلام داستان بهرام و آزاده نیز مورد توجه و امعان نظر پژوهشگران ادبیات و تاریخ هنر ایران نبوده است.

شاهنامه فردوسی کهن‌ترین متن روایت‌گر برجای‌مانده از این داستان است، زیرا از منابعی که الگو و سرمشق این اثر معرفی می‌شوند، مثل شاهنامه ابو منصور و خدای‌نامه، چیزی بر جای نمانده است. بنابراین، شناسایی و تعیین اصالت پیش از اسلامی داستان بهرام و آزاده بر مبنای مطالعه آثار هنری بازمانده از آن دوران اهمیت

بسیار دارد، زیرا احتمال دارد که نه تنها نقشمایه بهرام و آزاده بلکه حتی داستان ایشان هم اصالت و منشأ پیش از اسلامی نداشته و صرفاً آفریده قدرت تخیل و ذوق هنری و طبع ادبی هنرمندان و سخنوران ایران دوران اسلامی باشد. به همین سبب، در این پژوهش، نگارندگان این پرسش بنیادین را بررسی کرده‌اند که آیا نقشمایه و تصاویر روایی داستان بهرام و آزاده در آثار هنری سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. کهن‌الگوها و سرمشق‌های هنری پیش از اسلامی داشته است؟ در پاسخ بدین پرسش، فرضیه نگارندگان این است که نقشمایه و تصاویر روایی داستان بهرام و آزاده در آثار هنری سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. کهن‌الگوها و سرمشق‌های هنری پیش از اسلامی داشته است. بن‌مایه همین نقشمایه نیز داستانی به یادگار مانده از همان ایران پیش از اسلام بوده است.

### روش‌شناسی

برای بررسی و ارزیابی فرضیه مطرح‌شده، نگارندگان از تاریخ ادبیات و تاریخ هنر و باستان‌شناسی بهره گرفته‌اند؛ بدین ترتیب که در تاریخ ادبیات به منابع اصلی داستان بهرام و کنیز رامشگرش، یعنی *شاهنامه فردوسی هفت پیکر* یا *بهرام‌نامه نظامی گنجوی* و هشت بهشت امیر خسرو دهلوی، مراجعه کرده‌اند. در تاریخ هنر نیز نقشمایه همین داستان بر روی آثار هنری سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. با آثار هنری پیش از اسلام مقایسه شده است، اما با این تفاوت و تأکید که در اینجا، نگارندگان بافت و زمینه اصلی کشف اثر (context) را مبنا و بنیان تعیین اصالت اثر قرار داده‌اند؛ یعنی اثری اصیل و معتبر و غیر جعلی شناخته می‌شود که بافت و زمینه اصلی کشف آن با روش‌های باستان‌شناختی اثبات شده است. باید اشاره و تأکید شود که در باستان‌شناسی، شناخت بافت و زمینه اصلی کشف اثر مهم‌ترین روش غیر آزمایشگاهی برای اطمینان از اصالت و قدمت یک اثر باستانی است (Bahn, Renfrew, 2012: 71-120).

### مبانی نظری

شالوده نظری تحقیق حاضر همانا ماهیت هنر ایران دوران اسلامی به مثابه یک هنر پساساسانی یا هنری اصیل و دارای جوهره اسلامی است که درباره آن بسیار بحث شده است (برای مثال، ر.ک. فرای، ۱۳۷۳: فصل ۶؛ Soucek, 1987: 603-18; Kuiper, 2010: 26-8).

منبع شاهنامه فردوسی از دیگر مبانی نظری این پژوهش است که موضوع تحقیقات معدودی از شاهنامه پژوهان معاصر بوده است (برای مثال، ر.ک. شاهنامه فردوسی تصحیح جنیدی، ۱۳۸۷: ج. ۶، ۱۷۴). (Khaleghi-Motlagh, 1987: 174). پس آنگاه، اگر داستان و نقشمایه بهرام و آزاده به عنوان یک موضوع ادبی و پدیده هنری دوران اسلامی معلول یک علت یا علل پیش از اسلامی معرفی می‌شود، باید بتوان آن علت یا علل پیش از اسلامی را ثابت کرد و نشان داد، چرا که در غیر این صورت، علت داستان و نقشمایه بهرام و آزاده را باید در همان هنر و ادبیات دوران اسلامی جستجو کرد.

### پیشینه تحقیق

در عرصه تاریخ ادبیات ایران، صرف نظر از شاهنامه فردوسی به عنوان کهن‌ترین منبع ادبی داستان بهرام و آزاده و هفت پیکر نظامی (بهرام‌نامه) و هشت بهشت امیر خسرو دهلوی، یان ریپکا (۱۳۷۰) به نقل از عوفی به چنگ‌نوازی یونانی اشاره کرده که طرف لطف و عنایت و سرانجام خشم بهرام پنجم ساسانی بوده است. ذبیح الله صفا (۱۳۸۳) نیز به استناد حکیم ابوالقاسم فردوسی و حکیم نظامی گنجوی به منشأ ساسانی داستان‌های بهرام گور اشاره‌ای کرده است.

اما در عرصه تاریخ هنر ایران، هر چند که رومن گیرشمن (۱۳۷۱) و ادیت پرادا (۱۳۸۷: ۳۲۶-۱۴۸) هیچ اشاره‌ای به آثار هنری ایران پیش از اسلام با نقشمایه بهرام و کنیز خنیاگر نکرده‌اند، آرتور کریستن سن (۱۳۸۹) تصاویر نقش‌بسته بر یک بشقاب زراندود عهد ساسانی در موزه آرمتاژ را توصیف کرده است؛ بی آن که به اصالت یا عدم اصالت این اثر توجه کرده باشد. همچنین ماریا فونتانا بدون توجه به بحث بنیادین تأثیر بافت و زمینه کشف اثر بر اصالت یا جعلی بودن اثر، بحث مشابهی را در مقایسه با آثار هنری دوران اسلامی منتشر کرده است (Fontana 1986: 109-16). البته مقدم بر او، در ایران، عباس زمانی درباره تأثیر ادبیات پیش از اسلام بر هنر دوران اسلامی ایران سخن گفته است (در این باره ر. ک. زمانی، ۱۳۹۰). با این حال، مبحث بنیادین اصالت و زمینه کشف اثر مورد توجه زمانی نبوده است. همچنین ریچارد اتینگهاوزن در بحثی انتقادی در موضوع مقاله خانم لیزا غلام‌بیگ درباره همین نقشمایه و روایت ادبی مربوط بدان در حاشیه

بررسی منشأ و اصالت پیش از اسلامی نقشمایه بهرام و آزاده در آثار هنری ایران سده‌های چهارم تا هشتم هجری قمری/۵

بحث بشقاب زراندود مجموعه هنری جوینول<sup>۱</sup>، صرفاً به همین نکته اکتفا کرده است که پیدایش نقش بهرام و آزاده بر روی آثار هنری قرن ۴ ه.ق. ایران با تکمیل شاهنامه فردوسی در همان سده ارتباط دارد، هر چند که درباره اصالت ساسانی آن بشقاب زراندود که به همین نقش آراسته شده است با احتیاط صحبت می‌کند (Ettinghausen, 1979: 25-31).

بنابراین، بررسی منشأ و اصالت نقشمایه بهرام و آزاده با تأکید بر اصالت اثر و بافت و زمینه کشف اثر و همچنین مبتنی بر روش‌های تاریخ ادبیات، تاریخ هنر و باستان‌شناسی مسبوق به سابقه نیست.

### پیشینه ادبی داستان بهرام و کنیز چنگ‌نواز تا قرن ۸ ه.ق.

صفا (۱۳۸۳) و ریپکا (ریپکا، ۱۳۷۰: ۱۳۱) مضمون ادبی بهرام و آزاده را داستانی با منشأ پیش از اسلامی دانسته‌اند که البته بعدها در شاهنامه فردوسی بازتاب یافته است و دیگر ادبای تمدن ایران دوران اسلامی مثل نظامی گنجوی از آن سرمشق گرفته‌اند. ریپکا اصرار دارد که گویا سخنوران پارسی دری در دوران تمدن اسلامی از ادبیات منظوم پارسی میانه عهد ساسانی الگو و سرمشق گرفته بوده‌اند و حتی عوفی در بخارا جنگ اشعار بهرام گور ساسانی و نیز حکایت بهرام و آزاده را مطالعه کرده بود (ریپکا، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۱۷).

بر مبنای شاهنامه فردوسی نسخه مسکو و غرر ثعالبی، آزاده یا آزادوار رومی در بارگاه منذر ابن نعمان لخمی، امیر حیره، پیشکش بهرام گور شده بود و پس از این‌که در همان‌جا به دست بهرام مقتول می‌شود، گویا به فرمان منذر داستان ایشان را بر یکی از دیوارهای قصر خورنق در حیره نقاشی می‌کنند (Khlaeghi-Motlagh, 1987: 174). صرف نظر از کذب و یا صدق داستان، این روایت به متن شاهنامه فردوسی نزدیک‌تر است، تا هفت پیکر نظامی.

داستان بهرام و کنیز چنگ‌نواز در میان آثار مکتوب به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود: الف) شاهنامه فردوسی، که سرچشمه آن، چنان‌که از منبع عیون‌الخبار ابن قتیبه، یعنی سیر العجم، استنباط می‌شود، به خدای‌نامه می‌رسد (خطیبی، ۱۳۸۰: ۱۷).

ب) هفت پیکر حکیم نظامی گنجوی که سرچشمه آن دانسته نیست (خطیبی، ۱۳۸۰: ۱۷)، مگر این که سرچشمه آن را شاهنامه فردوسی بدانیم که نظامی بنا به ذوق ادبی و طبع شاعری اش در آن دخل و تصرفاتی کرده است. البته ناگفته نماند که بر پایه دستاوردهای کاوش‌های باستان‌شناختی در تخت سلیمان (آتشکده آذرگشنسپ) و شهرهای گابالا و باکو اکنون نیک می‌دانیم که آذربایجان در دوران ساسانیان یکی از کانون‌های شهرنشینی و فرهنگ و هنر ایران بوده است (در این باره، ر.ک. سرفراز، کیانی، ۱۳۴۷؛ ناؤمان، ۱۳۷۳؛ Efendiyev, 1986: Ch. I; Giyasi, 1991: Ch. I; Babayev *et al.*, 2012: 17-20; Babayev, 2012: 23-5). بنابراین، بعید نیست که روایتی مشابه اما متفاوت از خراسان در آذربایجان رواج داشته است.

روایت فردوسی از نظامی متفاوت است. در شاهنامه فردوسی، روزی بهرام گور با کنیز رومی اش به نام آزاده سوار بر شتر به نخجیرگاه رفته بودند که یک جفت آهو بر سر راه ایشان پدیدار می‌شود. بهرام به خواست آزاده، پس از شکار آهوی نر، گوش آهوی ماده را به سر و پایش با تیر می‌دوزد، اما آزاده به جای تحسین بهرام، او را سرزنش می‌کند و بهرام نیز که از تلخ‌زبانی و گستاخی آزاده خشمگین شده، او را زیر پای شتر می‌افکند تا کشته شود. اما در روایت هفت پیکر نظامی بهرام با کنیزکی چینی به نام فتنه سوار بر اسب به شکار گور می‌رود و البته علی‌رغم آزدگی بهرام از سرزنش‌های فتنه، داستان سرانجامی خوش و نیکو دارد. حکایت بهرام و کنیز رامشگر چینی به نام دلارام در متن هشت بهشت نیز همانند هفت پیکر نظامی فرجامی شاد و نیکو دارد و همین نشان می‌دهد که نظامی سرمشق و الگوی ادبی امیر خسرو دهلوی بوده است.

**بازتاب داستان بهرام و کنیز چنگ‌نواز در آثار هنری دوران اسلامی تا قرن ۸ ه.ق.**  
با مجالس و صحنه‌های داستان بهرام و کنیزک چنگ‌زن تا سده هشتم هجری قمری صرفاً به واسطه صنایع دستی ثبت‌شده در موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر هنری آشنا هستیم و متأسفانه از مینیاتورها و اوراق مصور و نقاشی‌شده مرتبط با کتب و متون ادبی پیش از عهد ایلخانی تا کنون چیزی بر جای نمانده یا این که تا به امروز گزارش نشده است (در این باره، ر.ک. گری، ۱۳۹۲). بنابراین، بحث مینیاتورها و نقاشی‌های داستان بهرام و آزاده (یا فتنه و دلارام) پس از عهد ایلخانی موضوع نوشتار حاضر نیست. اما ۱۳ نمونه از صنایع دستی دارای نقشمایه موضوع بحث تاکنون در موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر

بررسی منشأ و اصالت پیش از اسلامی نقشمایه بهرام و آزاده در آثار هنری ایران سده‌های چهارم تا هشتم هجری قمری/۷

هنری ثبت و گزارش شده است که این ۱۳ نمونه به سه گروه اصلی به لحاظ نوع کاربرد اثر و جنس (material) آن قابل طبقه‌بندی است:

(الف) دو ظرف فلزی در موزه بریتانیا در لندن و مجموعه هنری دموت در آمریکا (جدول ۱).

(ب) چهار قطعه کاشی زرین‌فام مکشوف از تخت سلیمان در آذربایجان و قونیه در ترکیه (جدول ۲).

(ج) هفت عدد سفالینه (جدول ۳).

درباره این سفالینه‌ها شایان یادآوری است که انتساب کاسه‌های اسلامی لعاب‌دار دارای نقوش فیگوراتیو به قرون ۷ و ۸ هجری، از نظر تاریخ سفالگری دوران اسلامی ایران اعتبار نداشته و این آثار باید به احتمال زیاد در همان سده‌های ۴ تا ۷ هجری ساخته شده‌اند و همچنین به استثناء کاشی‌های یافته از کاوش‌های باستان‌شناختی تخت سلیمان در آذربایجان و کاخ قبادآباد بیگ‌شهر در ترکیه (Redford, 1993: 219-36)، بافت و زمینه اصلی کشف اثر و چگونگی انتقال آنها به مجموعه‌های هنری و موزه‌ها هنوز مجهول بوده و دانسته نیست. بنابراین، تعیین اصالت و قدمت واقعی آنها نیازمند مطالعات آزمایشگاهی مبتنی بر تحلیل باستان‌سنجی<sup>۱</sup> است.

### بازتاب داستان بهرام و کنیز چنگ‌نواز در آثار هنری پیش از اسلام

قدیمی‌ترین شواهد باستان‌شناختی و یا آثار هنری ثبت شده در موزه‌ها مرتبط با داستان مذکور اعم از اصیل و یا مشکوک به دوران ساسانیان باز می‌گردد و تاکنون شواهد باستان‌شناختی یا آثار موزه‌ای مربوط به دوران پیش از ساسانیان، شناسایی و گزارش نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد که داستان بهرام و کنیز چنگ‌نواز منشأ ساسانی دارد و نمی‌توان آن را یک داستان دگرگون‌گشته از دوران قبل از ساسانیان تلقی کرد؛ زیرا تاکنون در میان منابع تحقیقی منتشر شده در موضوع هنر ایران باستان نمونه‌های ما قبل ساسانی مشاهده نمی‌شود (در این باره برای مثال، ر.ک. گیرشمن، ۱۳۷۱: ج. ۱؛ فرای، ۱۳۷۳: فصل ۶؛ هرمان، ۱۳۷۳؛ پرادا، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۱۴۸).

از آثار منسوب به عهد ساسانی که آراسته به نقش بهرام و آزاده هستند باید به چهار بشقاب و یک اثر گچ‌بری اشاره شود که از میان بشقاب‌ها، اتینگهاوزن دربارهٔ اصالت یک نمونه به علت ناشناخته بودن منشأ و چگونگی کشف آن تردید کرده است (Ettinghausen, 1979: 25-31). هر چند که بشقاب‌های زراندود موزه‌های متروپولیتن و آرمیتاژ نیز به واسطهٔ کاوش‌های باستان‌شناختی کشف نشده‌اند و اعتبار و اصالت آنها نیز جای پرسش بسیار دارد. اما باید اشاره و تأکید شود که از بین این آثار، تنها گچ‌بری یافته از کاوش‌های باستان‌شناختی هیئت آمریکایی اریک اشمیت در سال ۱۹۳۰ م از چال ترخان شهرستان ری اثری اصیل و معتبر دارای بافت و زمینهٔ کشف معین و مشخص محسوب می‌شود (Schmidt 1935: 56; e.g. Thompson 1976; Harper 1987: 585-94). همچنین باید خاطرنشان کرد که با مقایسهٔ شکل تاج به‌دست‌آمده از بشقاب‌های زراندود منسوب به عهد ساسانی با سکه‌های شاهان ساسانی، شکل تاج در بشقاب‌ها از سکه‌ها متفاوت است و کمترین شباهت را به تاج بهرام پنجم یا همان بهرام گور ساسانی دارند. متأسفانه تاج مرد سوار بر شتر در گچ‌بری چال ترخان ری نیز تخریب شده است و قابل شناسایی و مقایسه نیست (جدول ۴ و جدول ۵). بنابراین، علی‌رغم اثبات اصالت ساسانی مضمون ادبی داستان شاه و کنیزک خنیاگر، هنوز نمی‌توان آن شاه را دقیقاً با بهرام گور یکی شمرد.

### نتیجه

از میان آثار هنری سده‌های ۴ تا ۸ ه. ق. دارای نقشمایهٔ شاه و کنیز خنیاگر، فقط کاشی‌های تخت سلیمان آذربایجان و کاخ قبادآباد بیگ‌شهر در ترکیه اصالت و اعتبار باستان‌شناختی دارند، کما این که در مجموعهٔ آثار عهد ساسانی هم، صرفاً گچ‌بری چال ترخان ری قابل استناد است. اما متأسفانه به سبب مجهول بودن بافت و زمینهٔ کشف اثر نمی‌توان بشقاب‌های زراندود ساسانی را اصیل و معتبر دانست، مگر این که آزمایشگاه باستان‌سنجی آنها را تأیید کند. البته بر مبنای مقایسهٔ نقش تاج شاهان ساسانی نقش‌بسته بر بشقاب‌های زراندود با سکه‌های بهرام پنجم نمی‌توان ایشان را همان بهرام گور دانست. به هر حال، مقایسهٔ مرد و زن چنگ‌نواز نشسته بر شتر در گچ‌بری ساسانی چال ترخان ری با مرد و زن خنیاگر نشسته بر شتر در کاشی‌های تخت



سلیمان و کاخ قبادآباد سده ۷ ه.ق. آشکارا کهن‌الگوی ساسانی نقشمایه موضوع بحث و تحقیق را اثبات می‌کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مضمون ادبی داستان بهرام و آزاده و نیز نقشمایه مرد شکارگر و کنیز چنگ‌نواز نشسته بر شتر که بر روی آثار هنری سده‌های ۴ تا ۸ ه.ق. ایران دیده می‌شود، به راستی کهن‌الگوی ساسانی داشته است و نمی‌تواند ساخته و پرداخته تخیل و ذوق ادبی و طبع شاعرانه ادیبان و هنرمندان دوران اسلامی ایران باشد. همچنین باید نتیجه گرفت که داستان بهرام و آزاده از جعلیات افزوده به شاهنامه فردوسی نیست، بلکه منشأ و علت و اصالت ساسانی دارد. دیگر نتیجه برآمده از این پژوهش، بر مبنای تطبیق نقوش آثار تخت سلیمان و کاخ قبادآباد، این است که هنرمندان کاشی‌کار آنها یا سلاطین کارفرمای ایشان از شاهنامه فردوسی تأثیر گرفته‌اند، زیرا که بهرام و آزاده را سوار بر شتر می‌بینیم نه اسب؛ یعنی ماهیت تصویرگری در این آثار با روایت فردوسی نزدیکی و قرابت بیشتری دارد تا با روایت حکیم نظامی.

بنابراین، هرچند که نمی‌توان به یقین صحت انتساب داستان بهرام و آزاده را به زندگی بهرام گور ساسانی تأیید کرد و حتی شاید که آن شاه در حقیقت شخصی غیر از بهرام گور باشد، اما به یقین می‌توان گفت که این داستان و نقشمایه هنری و ادبی آن در دوران اسلامی ایران کهن‌الگوی اصیل ساسانی داشته است و بنابراین، بار دیگر به یقین می‌توان گفت که فردوسی و دیگر هنرمندان و صنعتگران دوران سامانیان به شماری از منابع تاریخی و ادبی عهد ساسانی دسترسی داشته‌اند که همان‌ها منبع الهام ادبی و سرمشق هنری ایشان بوده است.

جدول ۱- آثار فلزی

تصویر اثر	گونه اثر	محل کشف	محل نگهداری	دوره	منبع	بافت کشف اثر
	ابریق برنجی زرکوب	موصل	موزه بریتانیا	احتمالاً ق. ۷۰ ه. ق.	موزه بریتانیا	مجهول
	سینی مفرغی	؟	مجموعه دموت	احتمالاً ق. ۷۰ ه. ق.	کتاب شاهکارهای هنر ایران	مجهول

جدول ۲- آثار کاشی

تصویر اثر	گونه اثر	محل کشف	محل نگهداری	دوره	منبع	بافت کشف اثر
	کاشی زرین فام	تخت سلیمان آذربایجان	مجموعه پاراویچینی	عهد ایلخانی	گزارش‌های باستان‌شناختی تخت سلیمان	باستان‌شناختی
	کاشی زرین فام	تخت سلیمان آذربایجان	موزه ویکتوریا و آلبرت لندن	عهد ایلخانی	موزه ویکتوریا و آلبرت لندن	باستان‌شناختی

بررسی منشأ و اصالت پیش از اسلامی نقشمایه بهرام و آزاده در آثار هنری ایران سده‌های چهارم تا هشتم هجری قمری/۱۱



باستان‌شناختی	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	عهد ایلخانی	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	تخت سلیمان آذربایجان	کاشی زرین‌فام	
باستان‌شناختی	Redford, 1993	عهد سلاجقه روم	موزه قوبون اوغلو قونیه	کاخ قبادآباد بیگ شهر ترکیه	کاشی هفت رنگ	

جدول ۳- آثار سفالین




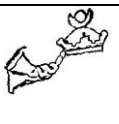
تصویر اثر	گونه اثر	محل کشف	محل نگهداری	دوره	منبع	بافت کشف اثر
	کاسه مینایی	مجهول	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	احتمالاً سده ۴ تا ۷ ه.ق.	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	مجهول
	کاسه مینایی	مجهول	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	احتمالاً سده ۴ تا ۷ ه.ق.	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	مجهول
	کاسه مینایی	مجهول	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	احتمالاً سده ۴ تا ۷ ه.ق.	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	مجهول
	کاسه مینایی	مجهول	موزه فیتز ویلیام	احتمالاً سده ۴ تا ۷ ه.ق.	موزه فیتز ویلیام	مجهول

مجهول	موزه برلین	احتمالاً سده ۴ تا ۷ ه.ق.	موزه برلین	مجهول	کاسه مینایی	
مجهول	موزه بروکلین	احتمالاً سده ۴ تا ۷ ه.ق.	موزه بروکلین	مجهول	کاسه مینایی	

جدول ۴- نقش تاج شاهان ساسانی بر روی سکه‌ها. مأخذ: سرفراز، آورزمانی، ۱۳۷۹.

				
بهرام ششم	هرمز اول	یزدگرد دوم	اردشیر دوم	بهرام پنجم یا گور

جدول ۵- نقش شاه و کنیز خنیاگر در نخجیرگاه در آثار عهد ساسانی.

تصویر اثر	شکل تاج شاه	گونه اثر	محل کشف	محل نگهداری	دوره	منبع	بافت کشف اثر
		بشقاب زراندود	مجهول	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	منسوب به عهد ساسانی	موزه هنر متروپولیتن نیویورک	مجهول
		بشقاب زراندود	مجهول	موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ	منسوب به عهد ساسانی	موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ	مجهول

بررسی منشأ و اصالت پیش از اسلامی نقشمایه بهرام و آزاده در آثار هنری ایران سده‌های چهارم تا هشتم هجری قمری/۱۳

مجهول	موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ	منسوب به عهد ساسانی	موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ	مجهول	بشقاب زراندود		
باستان‌شناختی	Schmidt, 1935; Thompson, 1976	عهد ساسانی	موزه هنرهای زیبای بوستون	چال ترخان ری	گجبری	تخریب شده است	

## منابع

- ابوالقاسم فردوسی (۱۳۸۷). *شاهنامه*، به تصحیح فریدون جنیدی، تهران، نشر بلخ و بنیاد فرهنگی نیشابور.
- امیر خسرو دهلوی (۱۳۹۱). *هشت بهشت*، به تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران، نشر چشمه.
- پرادا، ادیت (۱۳۸۷). *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور (۱۳۸۴). *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه پرویز ناتل خانلری، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- حکیم ابوالقاسم فردوسی (۱۳۸۷). *شاهنامه فردوسی*، به تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ چهارم، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۰). *داستان بهرام گور و آزاده و نکاتی در تصحیح شاهنامه*، نشر دانش، سال هیجدهم، شماره چهارم، ۱۵-۲۱.
- ریپکا، یان (۱۳۷۰). *تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، گوتنبرگ.
- زمانی، عباس (۱۳۹۰). *تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی*، تهران، اساطیر.
- سرفراز، علی اکبر و آرزومانی، فریدون (۱۳۷۹). *سکه‌های ایران*، تهران، سمت.
- سرفراز، علی اکبر و کیانی، محمد یوسف (۱۳۴۷). *تخت سلیمان*، تبریز، انتشارات دانشگاه آذر آبادگان.
- سوپن، ولی (۱۳۸۸). *راهنمای روش کاوش باستان‌شناختی*، ترجمه بهرام آجورلو، تهران، سیمای دانش.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۳). *حماسه سرایی در ایران*، تهران، فردوس.
- فرای، ریچارد (۱۳۷۳). *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۰). *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، تهران، ققنوس.

کریستن سن، آرتور (۱۳۸۹). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران، صدای معاصر.

کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۰). *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*، تهران، نسیم دانش.

گری، بازیل (۱۳۹۲). نقاشی ایرانی. ترجمه عربعلی شروه، چاپ سوم، تهران، نشر دنیای نو.

گیرشمن، رومن (۱۳۷۱). *هنر ایران*، ترجمه عیسی بهنام و بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ماتیوز، راجر (۱۳۹۱). *باستان‌شناسی بین‌النهرین: نظریات و رهیافت‌ها*، ترجمه بهرام آجورلو، تبریز، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

ناومان، رودلف (۱۳۷۳). *تخت سلیمان*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

نظامی گنجوی (۱۳۸۰). *هفت پیکر*، به تصحیح برات زنجانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

هرمان، جورجیانا (۱۳۷۳). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

Babayevev, I. A. et al. 2012. Ахеменидский административный центр (Сатрапская резиденция) на южном кавказе, In M. N. Rahimova (ed.), *The International Conference on the Ancient Town- Urban Culture of Azerbaijan, Gabala 6<sup>th</sup>- 10<sup>th</sup> November 2012 (17-20)*, Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.

Babayevev, I. A. 2012. “Общи итоги раскопок Габалы столичного города Кавказской Албании”, In M. N. Rahimova (ed.), *The International Conference on the Ancient Town- Urban Culture of Azerbaijan, Gabala 6<sup>th</sup>- 10<sup>th</sup> November 2012 (23-25)*, Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.

Bahn, P. and Renfrew, C. 2012. *Archaeology: Theories, Methods, Practice*. 6<sup>th</sup> edition, London, Thames and Hudson.

Efendiyev, R. 1986. *The Architecture of Soviet Azerbaijan*, Baku, Azerbaijan National Academy of Sciences.

Ettinghausen, R. 1979. Bahram Gur's hunting feats on the problem of identification, *Iran* 17: 25-31.

Fontana, M. V. 1986. *La leggenda di Bahrām Gūr e Āzāda: Materiale per la storia di una tipologia figurativa dalle origini al XIV secolo*. Naples, Istituto Universitario Orientale, Dipartimento di Studi Asiatici, Series Minor 24.

Fontana, M. V. 2011. Iranian pre-Islamic elements in Islamic art, In E. Yarshater (ed.), *Encyclopaedia Iranica*,

<http://www.iranicaonline.org/articles/art-in-iran-xii-iranian-pre-islamic-elements-in-islamic-art>

- Giyasi, J. 1991. *The Architectural Monuments of Nizami Period*, Baku, Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Harper, P. O. 1987. Sassanian art, In E. Yarshater (ed.), *Encyclopaedia Iranica* 2 (585-94), London, Routledge & Kegan & Paul.
- Khaleghi-Motlagh, D. 1987. ĀZĀDA, In E. Yarshater (ed.), *Encyclopaedia Iranica* 3: 174.
- Kuiper, K. 2010. *Islamic Art, Literature and Culture*. New York: Britannica Educational Publishing and Rosen Educational Service.
- Redford, S. 1993. 13<sup>th</sup> century Rum Seljuq palace and palace imagery, *Ars Orientalis* 23: 219-36.
- Schmidt, E. F. 1935. The Persian Expedition, *Bulletin of the Museum of Fine Arts* 33: 56.
- Soucek, P. 1987. Islamic pre-Safavid, In E. Yarshater (ed.), *Encyclopaedia Iranica* 2 (603-18), London, Routledge & Kegan & Paul.
- Thompson, D. 1976. *Stucco from Chāl Tarkhān-Eshqābād near Rayy*. Warminster, Colt Archaeological Institute Publications, Aris & Philips.

